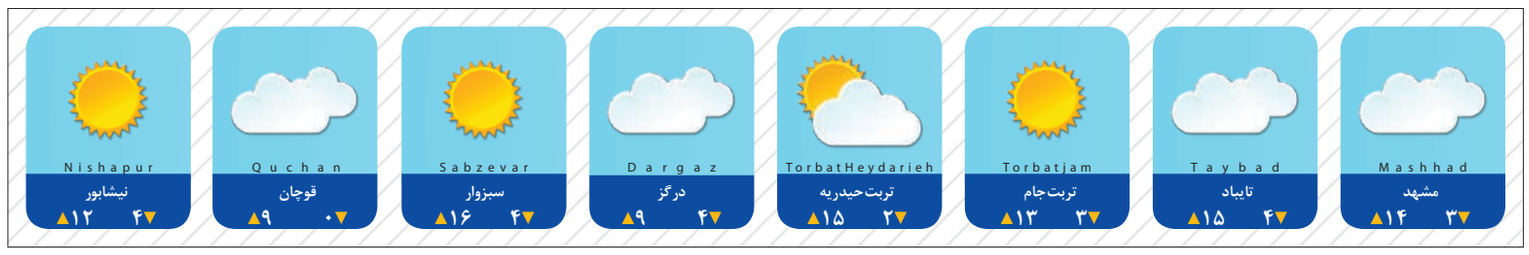
خراسان رضوی

صفحه آخر

چهارشنبه
۲ اسفند ۱۳۹۶
۴ جمادی الثانی ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۷۹۳



روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

خدا داناست به هر رازی که مردم در دل نهان داشته‌اند و به نجوای آهسته راز گویان و به هر گمان که در خاطری نهفته است و به هر تصمیمی که از روی یقین گرفته شود.
نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۱۳۴، خطبه ۹۱

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
هر که تو را شناسد کار او باریک و هر که تو را نشناسد راه او تاریک
تو را شناختن از تو رستن است و به تو پیوستن از خود گذشتن است
الهی!
بر من آراستی خریدم و از هر دو جهان دوستی حضرت تو گزیدم
حسرت گر روز وصال باز بینم روزی
با او گله‌های روز هجران نکنم

با شاعران



خراسان به روایت خراسان

روایت ۴۱ سال پیش روزنامه خراسان از درگذشت «دکتر شیخ»



مرحوم دکتر مرتضی شیخ، یکی از چهره‌های خوشنام و ماندگار شهر مشهد است که در گذر سالیان و تغییر نسل‌ها، یادش نزد آن‌هایی که او را دیده یا ندیده‌اند، محترم است. در وصف این پزشک خیّر، انسان‌دوست و متعهد که از دردهای جامعه پیرامونش می‌کاست، داستان‌های زیادی نقل شده است. روحی عظیم و متواضع داشت و در مقابل مریض هایش با فروتنی رفتار می‌کرد، گویی یکی از آن‌هاست و دردشان را خوب می‌فهمد. هرچه بود و هرچه کرد، نامش ماندگار شد. این ایام مصادف با درگذشت اوست. روزنامه خراسان ۴۱ سال پیش، در تاریخ اول اسفند، خبر درگذشت این پزشک محبوب و متعهد را این گونه منعکس می‌کند: «دکتر مرتضی شیخ، طبیب معروف و انسان دوست مشهد در ۶۹ سالگی بدرود حیات گفت و به سرای باقی شتافت. دکتر پریشب سالم به بستر رفت و بامداد دیروز او را مرده یافتند. مردم مشهد که در نیمه‌های شب از همه‌جا درمی‌ماندند و همه درها را به روی خود بسته می‌دیدند، به سوی دکتر شیخ رو می‌آوردند و او با تمام وجود، خود را در خدمت نیازمندان قرار می‌داد. او تا واپسین دم با سلامت و با گشاده‌رویی از بیماران خود پذیرایی می‌کرد. خانواده‌های آبرومند کم‌درآمد بسیاری، از کمک‌های بی ریای دکتر شیخ برخوردار بودند. صدای موتور سیکلت دکتر شیخ آرامش بخش آلام بیمارانی بود که محروم از همه جا بودند. او تا دورترین پس کوچه‌های شهر می‌رفت و در تمامی نقاط پرجمعیت و کم‌درآمد مطب دایر کرده بود. او سکرتر و منشی نداشت و قبلا پول نمی‌گرفت و شماره نمی‌داد. بیمارانش حق ویزیت را در سبدی می ریختند و هنگامی که بیمار ویزیت خود را در سبد می ریخت، غالبا دکتر روی خود را به سوی بیمار دیگری بر می‌گرداند تا شخص بیمار مجبور به پرداخت پول زیاد نباشد و احیانا خجالت نکشد. دکتر شیخ طی سالیان دراز طبابت خود در مشهد از موقعیت و شخصیت و محبوبیت بی نظیری برخوردار بود و در گذشت او ضایعه‌ای به شمار می‌رود. بامداد دیروز که خبر درگذشت دکتر شیخ منتشر شد، با این که مردم سرگرم سوگواری بودند، نظر به احترام و علاقه بسیاری که نسبت به وی داشتند، تشییع جنازه باشکوهی برای او به عمل آوردند و آخرین احترامات را نسبت به وی به جای آوردند. جنازه دکتر شیخ در صحن مطهر عقیق و در پشت پنجره فولاد و در جوار مرقد مطهر حضرت رضا(ع) به خاک سپرده شد.»

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۷۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۸۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۶۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۲۴۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۷۶۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۵۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۵۰۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۷۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۵۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی			

آدم ها، قصه ها

سارا صالحی

ماجرای عکسی که به یک نقاشی دیواری محبوب در مشهد تبدیل شد

داستان نقاش و رزمنده





در سال های پس از جنگ، بارها ناشنیده های هشت سال دفاع مقدس به بهانه ای بر همگان روشن و شمه ای از دفاع جانانه مردان و زنان دلیر این سرزمین رونمایی می شود. اما این بار قصه مربوط می شود به عکسی از دوران جنگ، سیمای یک رزمنده که تفنگی بر دوش دارد و در دشتی از لاله ها، رو به دوربین، لبخندی دلنشین بر لب نشانده است. این عکس الهام‌بخش یکی از نقاشی های دیواری محبوب شهرمان در خیابان فلسطین است اما هویت رزمنده درون عکس تا همین هفته پیش حتی برای نقاش اثر هم مجهول بود و انتشار تصویر این نقاشی دیواری در فضای مجازی، باعث شد نقاش و سوژه‌اش به هم برسند.

بهشت فاصله ما همین جبهه ها بود

احمد منصوب نامی آشناست. عمده دیوارنگاره‌های شهر مشهد خاصه تصاویر رزمندگان و شهدا کار اوست. نقاشی چهره شهیدان را بعد از شهادت برادر بزرگ‌ترش، مهدی منصوب به صورت جدی آغاز می کند و با داشتن تحصیلات آکادمیک در رشته نقاشی، سال هاست دیوارهای شهر را به فرصتی برای ادای دین خود به خون شهدا تبدیل کرده است. اهل خانواده ای شهیدپرور است و پرداختن به دفاع مقدس را یک سنت در خانواده اش می داند. منصوب از آغاز ماجرا در اردیبهشت سال ۸۹ می گوید: هفت سال پیش در آلبومی که از عکس های دوران دفاع مقدس منتشر شده بود، تصویر خندان یک رزمنده را دیدم. کلیت عکس زیبا بود و در خاطرم ماند تا در فرصتی مناسب، تصویرش را بکشم. در زیر عکس این توضیح ضمیمه شده بود که محمدرضا شرف الدین این عکس را ثبت کرده اما هیچ نکته‌ای درباره نام صاحب عکس نیامده بود. همیشه کنجکاو بودم این رزمنده را بشناسم. تا این که از طرف شهرداری قرار شد یک نقاشی دیواری در خیابان فلسطین مشهد کشیده شود و بعد از تایید همین عکس، توفیق انجام آن را بر عهده گرفتم که در سوم خرداد سال ۸۹ هم رونمایی شد. مردم در همان زمان عکس العمل خوبی به این کار نشان دادند و از پیرمرد گرفته تا زن و مرد و کودک با همه نوع اعتقادی، از نتیجه کار ابراز رضایت می کردند. اسم این اثر را «لبخند یک رزمنده» گذاشتم. وی اضافه می کند: بعدها عکسی از همین نقاشی دیواری را روی صفحه اینستاگرامم قرار دادم و از همان زمان مردم مدام می پرسیدند، عکس کدام شهید است و من جوابی نداشتم. به تازگی دختر این رزمنده، در صفحه‌ام این نقاشی را دیده و با وجود این که تاکنون جایی ماجرای عکس پدرش را مطرح نکرده بود، تنها برای اطلاع از زنده بودن وی با من تماس گرفت و صاحب عکس را محمدتقی جانثاری، جانباز دفاع مقدس معرفی کرد. این اتفاق، نشان از خلوص نیت و اجتناب از ریای این بزرگوار داشت. منصوب، در سال ۹۱ هم تجربه دیگری مانند این داشته است که چهره چند رزمنده را در خیابان اندیشه مشهد روی دیوار به تصویر می کشد و چندی بعد یکی از آن ها اطلاع می دهد چهره او نیز در این تصویر وجود دارد. باورش این است که همه باید به قدر خود از اقیانوس جهاد و شهادت سهم برگیریم و به اخلاق و روحیات مجاهدانش نزدیک شویم چون به نظر او، بهشت فاصله در همین جبهه های جنگ و دفاع ما بوده و هست.

کاش بار دیگر حضرت رضا(ع) من را بطلبد

اوایل اردیبهشت سال ۶۲ بود. زیبایی فصل بهار به محور عملیاتی بانه. سردشت هم رسیده بود، زمانی که گل های کوهپایه های سرسبز کردستان بیشتر از همیشه می توانست از سردی جنگ بکاهد و برای لحظاتی لبخند را مهمان لب رزمندگان سازد. اما از این میان، لبخند یک جوان رزمنده در قاب یک تصویر ماندگار شد. لبخندی که بر تن یکی از دیوارهای شهر مشهد ثبت می شود اما صاحبش ناشناس باقی می ماند. حالا «محمدتقی جانثاری»، ۳۴ سال پس از ثبت آن تصویر، ماجرایش را برایمان این گونه روایت می کند: متولد و ساکن تهران هستم و از تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۶۱ تا ۶۳ به عنوان نیروی تامین جاده در گروهان دوم، گردان ۱۱۶، لشکر ۲۸ نیروی زمینی سنندج خدمت کردم. وی با بیان این مطلب که ماموریت او و دیگر رزمندگان در آن منطقه حفاظت از یک جاده استراتژیک و تامین امنیت برای عبور و مرور وسایل نقلیه و رزمندگان به خط مقدم بوده است، ادامه می دهد: یک سال از ورودم به جبهه می گذشت. ۲۱ سال بیشتر نداشتم. در محور بانه. سردشت نزدیک قریه کوهان کردستان، نیروی تامین جاده بودم که یک دفعه پاترولی جلوی پایمان توقف کرد و یک نفر دوربین عکاسی به دست از خودرو پیاده شد و گفت: «برادر اگه ممکنه یک عکسی بندازیم؟» از لهجه عکاس معلوم بود که اهل اصفهان است و چند عکس از من با تفنگی بر دوشم در دشت اطراف مان گرفت. او که شهرتش «جانثاری» است و امروز جانبازی هم بر این شهرت افزوده شده، حرف را می برد سمت آبان سال ۶۲ و شب عملیات و می گوید: ساعت ۲ بامداد، عملیاتی چند کیلومتر خارج از مریوان شروع شد و تا اوایل صبح طول کشید. در ارتفاعات پنجوین در خاک عراق بالای پای راستم هدف اصابت گلوله قرار گرفت و به کمک رزمنده ها به عقب منتقل شدم. وی ادامه می دهد: دو ساعت بعد از پایان عملیات، در چند مرحله با آمبولانس و بالگرد به همراه دیگر رزمندگان زخمی، به عقب فرستاده شدیم. به محض رسیدن به بیمارستان برای عکس برداری آماده شدم که احساس کردم چیزی در جیبم اذیت می کند. دست در جیب کردم و نارنجک های عملیات را درآوردم که کادر بیمارستان وقتی نارنجک ها را دیدند، فرار کردند. مهمات در مدت ۲۴ ساعت راه همراهم بود ولی به عنایت حضرت حق اتفاقی برای کسی نیفتاد. از این که تصویرش بر دیوار یک شهر نشسته، خوشحال است و با فروتنی، این اتفاق را از لطف نقاش و هنرمندی او می داند. آخرین بار هفت سال پیش به پابوسی حضرت ثامن الحجج(ع) مشرف شده و به قول خودش، آرزوی قلبی‌اش مانند همه دوستداران اهل بیت(ع) زیارت دوباره این صحن و سراست. او تاکید می کند: البته طلبیدن حضرت شان هم شرط است...

یادداشت



ابوالقاسم عربیون

عضو هیئت علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

ضرورت توسعه کارآفرینی کشاورزی باهدف کاهش شکاف شهروروستا

بخش کشاورزی به دلیل رشد مستمر و پایدار، ارزبری کم، بازدهی سرمایه و ایجاد عدالت اجتماعی در قیاس با دیگر بخش های اقتصادی کشور از قابلیت های خاصی برخوردار است و می تواند نقش بسیار بارزی در این عرصه ایفا کند.

از آن جا که توسعه کشاورزی هر کشور وابسته به سیاست ها، رویکردها و برنامه های مدیران این بخش است، کارآفرینی در این حوزه به عنوان شیوه جدید و به دلیل ظرفیت بالا باید در دستور کار مدیران قرار گیرد، چرا که به کارگیری این روش زمینه افزایش درآمد، ثروت، ایجاد اشتغال و ... را فراهم می کند. در واقع ضرورت توجه به این بخش زمانی ملموس تر خواهد شد که به چالش های اقتصاد ایران از جمله بیکاری، نبود تحرک اقتصادی و محدودیت سرمایه گذاری دولت نگریسته شود. به طور مثال با در نظر گرفتن ظرفیت بخش کشاورزی در ایران، مشکل بیکاری بسیاری از دانش آموختگان رشته های مرتبط کشاورزی را می توان با ارتقای کارآفرینی در این بخش حل کرد.

به طور کلی کارآفرینی کشاورزی به معنای شناسایی فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف با روش شناسی و سیاست گزینی جدید برای ایجاد تحول و دگرگونی در این حوزه است.

همچنین نباید از ظرفیت های مشاغل نوین نیز در این بخش غفلت کرد. حوزه کشاورزی یکی از آن بخش هایی است که استارت آپ ها هنوز آن طور که باید و شاید وارد آن نشده‌اند. کارآفرینی در بخش کشاورزی می تواند فرصت های خوبی را نصیب نیروهای جوان این حوزه بکند. نگاهی به تغییرات اخیر این بخش در کشورهای توسعه یافته و صنعتی، قابلیت های بزرگی را که در بخش کشاورزی نهفته است به خوبی نشان می دهد و از همین فرصت ها می توان در کشور ما نیز استفاده کرد.

بنابراین توسعه کارآفرینی کشاورزی ظرفیتی برای کمک به تنوع‌بخشی درآمد و میزان تولیدات این حوزه است که فرصت های مناسبی را در موضوع امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می کند. در حقیقت کارآفرینان این حوزه ضمن بهره گیری از نیروی خود برای حل خلاقانه مسائل، مخاطره‌پذیری، تحمل مشکلات و... با زیرکی و ظرافت و با سرعت هر چه تمام‌تر، تهدیدات و تنگناهای محیطی را به نفع خود به فرصت تبدیل می کنند. البته ناگفته نماند رشد و توسعه این بخش، زمینه را برای رشد و توسعه بخش های دیگر فراهم می کند چنان که پژوهش ها نیز حاکی از آن است که بدون رشد و توسعه کشاورزی، عوامل و نهاده های لازم برای فعالیت دیگر بخش های اقتصادی فراهم نخواهد شد. با این تفاسیر نباید از این مهم غافل شد که توسعه کارآفرینی در حوزه کشاورزی تنها با تزریق سرمایه و فناوری محقق نمی شود، بلکه عوامل بسیاری در این فرایند چند بعدی نقش دارند، در این میان نباید از رویکردهای مدیریتی و خلاقانه در توسعه این بخش غافل شد.

حال این سوال مطرح می شود که چرا با وجود ظرفیت فراوان در حوزه کارآفرینی کشاورزی، آن طور که باید و شاید این فرصت ها در کشور ما شناسایی نشده و مورد بهره برداری قرار نگرفته‌اند؟

چالش این بخش را باید در نگاه کلان و رویه های مدیریتی جست وجو کرد. متاسفانه این عوامل باعث شده نتوانیم از فرصت های بالقوه موجود با رهیافت نوآورانه و خلاقانه استفاده کنیم.

باید به صراحت اذعان کنیم که در دوره های مختلف بخش کشاورزی در رویکرد کلان خود از ضعف مدیریتی رنج برده است و ظرفیت های آن به خوبی شناسایی و راهبری نشده است که اگر چنین بود، امروز این بخش با بحران های زیست محیطی دست به گریبان نمی شد.

حال اگر رهبری کارآفرینان بر این حوزه حاکم شود، ضریب بهره وری در بخش منابع انسانی و منابع ملموس و ناملموس افزایش می یابد و سبب می شود کشور در مسیر توسعه واقعی قرار گیرد. به عبارت دیگر، اگر مدیریت صحیحی بر این بخش حاکم شود، فرصت های اقتصادی بهتر درک می شوند و از منابع موجود به منظور نوآوری استفاده بیشتری می شود. همچنین توسعه ایده پردازی و عملیاتی کردن ایده های جدید کسب و کار در کشاورزی می تواند نقشی اثرگذار بر انگیزه شاغلان بخش کشاورزی با افزایش بهره وری و درآمد در کسب و کارهای جدید داشته باشد.

در پایان باید اذعان کرد؛ از طریق کارآفرینی روستایی به ویژه در بخش کشاورزی، می توان با شناسایی مزیت ها، محدودیت ها، ضعف ها و قوت های جوامع روستایی بر اساس برنامه ریزی راهبردی مناسب، به توسعه اقتصادی این مراکز جمعیتی در کنار ابعاد دیگر کمک کرد.

در واقع هدف از کارآفرینی کشاورزی، توانمندسازی و ظرفیت سازی در مناطق روستایی برای کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد فرصت های برابر اقتصادی، اجتماعی و ابزار مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است.

بر همین اساس دولتمردان و برنامه ریزان باید با توجه به رشد نرخ بیکاری در میان افراد تحصیل کرده، نگاه ویژه ای به ظرفیت های این بخش مهم داشته باشند و ظرفیت های مدیریتی را در این حوزه ارتقا بخشند تا به ورطه تکرار اشتباهات گذشته در حوزه کشاورزی، فرو نیفتیم.

بریده کتاب



*احساس می کنم یک حماقت بزرگ پشت تمام زندگی هامان مخفی شده.
*بعضی چیزها بر اساس یک حس درونی اند، غیرقابل توجیه. با معیارهای منطقی محک زدنی نیستند. هرچقدر هم فرار کنی از شان، رهایت نمی کنند.
کسی گلدان ها را آب نمی دهد - آرش آذرپناه

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی



امیرحسین صدیق بازیگر «قصه‌های تابه‌تا» در اینستاگرامش تصویری از باغ فتح آباد کرمان منتشر کرد و نوشت: «باغ فتح آباد کرمان. چند نفر از دوستان عزیزی که دایم به ترکیه و دبی میرن این جا رو در قلب ایران دیدن؟! ایران زیبا یمان را ببینیم و بشناسیم.»

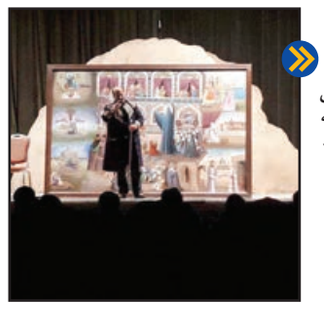
طبیعت زیبای منطقه قره جنگل- شهرستان درگز





حسین طیبی: بدون فوتسال می میرم!

فوتسالیست خراسانی در گفت و گویی با خبرگزاری برنا، تعریف کرد که چطور از فوتبال به فوتسال رسیده و در این رشته خوش درخشیده است.
حسین طیبی گفت: «من بازیکن تیم فوتبال جوانان علم و ادب بودم، روزی یکی از دوستانم دنبالم آمد و گفت یه بازی سالنی دوستانه داریم میای بازی کنی؟ حریف قوی است. من هم رفتم آن روز چند تا گل زدم و همه را دربیل می کردم. تیم آقای حسین شمس تمرین داشت و ایشان که دقایقی زودتر به سالن آمده بودند به تماشای بازی ما پرداختند. بعد از بازی به سمت من آمدند و گفتند اگر دوست داری بیا سر تمرین علم و ادب، من نیز رفتم و زمینه فوتسالیست شدنم فراهم شد... شهرت و مسائل مالی و توجه جامعه به فوتبال باعث شده بود به این رشته علاقه‌مند باشم اما حالا عاشق فوتسال هستم، دیوانه‌وار فوتسال را دوست دارم و روزی صد هزار بار خدا را شکر می کنم که این شانس رو به من داد تا به این سمت کشیده شوم، الان می گویم بدون فوتسال می میرم.»



پرده نقاشی با مضمون هفت روایت از زندگی هفت بانوی بزرگ تاریخ جهان در تالار قدس کتابخانه مرکزی حرم مطهر امام رضا(ع) رونمایی شد. این پرده نقاشی که «روایت زندگی بانوان بزرگ الهی» نام دارد، به سفارش موسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی و توسط استاد «رضا حمیدی» از نقاشان قهوه‌خانه‌ای برجسته کشور کشیده شده است. رونمایی از این پرده در ابتدای نخستین روضه نمایش «بانوی بی نشان» انجام گرفت که به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا(س) با پرده خوانی مرشد «محسن میرزاعلی» اجرا شد.